

بررسی ماهیت و مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی ایران

رحیم مختاری^۱، شادمهر شهریاری^۲

^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

^۲ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز

چکیده

در ماده ۳۸۶ قانون مدنی ناظر بر مواد ۳۸۴ و ۳۸۵ قانون مذکور مقرر شده است در صورتی که معامله به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانون مدنی فسخ شود، بایع باید علاوه بر استرداد ثمن، مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است را بدهد؛ الزام بایع به تأدیه مخارج معامله و مصارف متعارف خریدار، به عنوان خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی قابل بحث است و بررسی خسارت مذکور از این حیث که ماهیت و مبنای آن مسئولیت قراردادی است یا غیر قراردادی و یا اینکه در هیچ کدام از قالب‌های سنتی تقسیم‌بندی مسئولیت مدنی به قراردادی و غیر قراردادی جای ندارد بلکه باید مبنای آن را در حوزه‌هایی دیگر و نوین از مسئولیت مدنی از قبیل مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد جستجو نمود موضوع پژوهش حاضر است. در این زمینه حکم صریحی در قانون ملاحظه نمی‌گردد و برخی از حقوق‌دانان به طور کلی معتقدند که فروشنده بر اساس مبنای عام مسئولیت مدنی (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی) مکلف به جبران ضرر و زیان خریدار است، اما به طور دقیق به این مسئله نپرداخته‌اند که آیا نقض عهد (مسئولیت قراردادی) سبب ایجاد مسئولیت فروشنده شده است یا مسئولیت غیر قراردادی مبنای شکل‌گیری این مسئولیت است و یا اینکه نهادی مستقل از مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی موجب تحقق مسئولیت فروشنده و الزام وی به تأدیه مخارج معامله و مصارف متعارف خریدار، به عنوان خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی گردیده است. نتیجه حاصل از این پژوهش مؤید آن است که مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی در همه شرایط یکسان نیست و در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه خریدار به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانون مدنی، مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی مسئولیت قراردادی است، اما در فرض فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی در هیچ کدام از قالب‌های سنتی تقسیم‌بندی مسئولیت به قراردادی و غیر قراردادی جای ندارد، بلکه مبنای آن مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد است.

واژه‌های کلیدی: ماده ۳۸۶ قانون مدنی، مسئولیت قراردادی، مسئولیت غیر قراردادی، مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد

مقدمه

موضوع خرید و فروش باید معلوم باشد، چگونگی تعیین و معلوم ساختن آن در همه موارد یکسان نیست، در مواردی که مبیع عین معین است باید فرد آن معین شود ولی در برخی موارد مقدار مبیع بین طرفین روشن نیست و به همین دلیل آن را به شرط داشتن مقدار معین یا بر این مبنا مورد معامله قرار می‌دهند، در این صورت عقد بیع بر مبنای شرط واقع می‌شود. قانون مدنی در مواد ۳۵۵، ۳۸۴ و ۳۸۵ صورت‌های گوناگون این تبانی و آثار آن را معین می‌سازد که حسب مورد ممکن است که عقد بیع فسخ و یا ثمن به نسبت وضع موجود تعدیل شود. در ماده ۳۸۴ قانون مدنی صرفاً حق فسخ برای خریدار پیش‌بینی شده است، اما در ماده ۳۸۵ قانون مدنی، حسب مورد ممکن است که حق فسخ برای فروشنده یا خریدار ایجاد شود. ماده ۳۸۶ قانون مدنی ناظر بر مواد ۳۸۴ و ۳۸۵ همین قانون بیان نموده است «اگر در مورد دو ماده قبل معامله فسخ شود بایع باید علاوه بر استرداد ثمن، مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است بدهد». با مذاقه در ماده اخیرالذکر ملاحظه می‌گردد که استرداد ثمن ناشی از انحلال قرارداد به دلیل وقوع فسخ است و قانون‌گذار علاوه بر استرداد ثمن، بایع را ملزم به تأدیه مخارج معامله و مصارف متعارف خریدار نموده است؛ الزام بایع به تأدیه مخارج معامله و مصارف متعارف خریدار، به‌عنوان خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی قابل بحث است. یکی از چالش‌ها و ابهامات مهم در این زمینه، ماهیت و مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی است، بررسی خسارت مذکور از این حیث که ماهیت و مبنای آن مسئولیت قراردادی است یا مسئولیت غیر قراردادی و یا اینکه در هیچ‌کدام از قالب‌های سنتی تقسیم‌بندی مسئولیت به قراردادی و غیر قراردادی جای ندارد بلکه باید مبنای آن را در حوزه‌هایی دیگر و نوین از مسئولیت مدنی از قبیل مسئولیت ناشی از نقص در اعتبار قرارداد جستجو نمود موضوع پژوهش حاضر است و هدف اصلی این پژوهش بررسی ماهیت و مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی است که در همین راستا، در ابتدا ماده ۳۸۶ قانون مدنی تبیین می‌شود و سپس مسئولیت قراردادی، مسئولیت غیر قراردادی و مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد به تفکیک به‌عنوان مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی مورد بررسی و امکان‌سنجی قرار می‌گیرد و نظریه نگارنده در هر بخش ارائه می‌گردد.

۱. تبیین ماده ۳۸۶ قانون مدنی

در مواردی که مبیع عین معین است باید در خارج چنان معین شود که بتوان به آن اشاره کرد، ضرورتی ندارد که خریدار آن را ببیند، ولی لازم است اوصاف چیز معین و رابطه بین او و فروشنده معین شود تا خریدار بداند چه می‌خرد. اگر فرد مبیع در رابطه دو طرف معین باشد، لازم است که اوصافی از این کالای معین را بداند تا عقد غری به حساب نیاید و در همین راستا ماده ۳۴۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده، تابع عرف بلد است»؛ بنابراین قاعده ثابتی برای چگونگی دانستن مقدار مبیع وجود ندارد و باید به‌رسم محل در خصوص دادوستد آن کالا توجه شود (کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۱۱۲). باوجود اینکه ماده ۳۴۲ قانون مدنی، درستی عقد بیع را منوط به معلوم بودن مقدار، جنس و وصف مبیع کرده است، اما در برخی موارد متعاملین یا یکی از آن‌ها نسبت به وجود وصف مبیع یا مقدار آن تردید دارند که در این شرایط می‌توانند عقد بیع را به شرط داشتن وصف یا مقدار معین برای مبیع واقع سازند که در این صورت عقد بیع بر مبنای شرط واقع می‌شود و اگر مقدار و یا صفتی را که مدنظر متعاقدين بوده را دارا نباشد، حسب مورد ممکن است که بیع فسخ و یا ثمن به نسبت وضع موجود تعدیل شود.

علی‌الاصول مقدار مبیع به‌طور معمول مبین میزان تعهد فروشنده است و ثمن نیز متناسب با شمار واحدهایی که مقدار مبیع با آن تعیین شده سنجیده می‌شود که در چنین وضعیتی خریدار می‌تواند یا به نسبتی که مبیع کمتر از شرط مقدار درآمده است از ثمن کسر بگذارد و یا بیع را به دلیل خیار تبعض صفقه فسخ کند و اگر مبیع زیاده‌تر از شرط مقدار باشد، آن زیاده متعلق به بایع است و مشارالیه حقی بر فسخ عقد بیع ندارد و در همین خصوص ماده ۳۸۴ قانون مدنی مقرر داشته است «هرگاه در حال معامله، مبیع از حیث مقدار، معین بوده و در وقت تسلیم، کمتر از آن مقدار درآید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با حصه ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید و اگر مبیع، زیاده از مقدار معین باشد زیاده، مال بایع است»؛ اما گاهی مبیع مالی تجزیه‌ناپذیر است و تقسیم و تجزیه آن سبب کاهش یا فقدان ارزش آن می‌شود که ضرر و زیان مالک را در پی دارد و در این وضعیت به علت این که موضوع عقد را به سهولت نمی‌توان زیاد و کم نمود تا با مقصود متبایعین متناسب شود، ظاهر این است که آن مقدار را به منزله وصفی از مبیع تلقی کرده‌اند و مبیع به‌عنوان یک واحد تجزیه‌ناپذیر و آن‌چنان که موجود است مورد بیع قرار گرفته است و قانون‌گذار به‌منظور اجتناب از ضرر و زیان صاحب مبیع، اثر تخلف از شرط مقدار در چنین فرضی را صرفاً ایجاد اختیار فسخ عقد بیع قرار داده است بدین نحو که اگر مبیع، کمتر یا زیاده از مقدار معین شرط شده باشد صرفاً موجب حق فسخ به استناد خیار تخلف از شرط است و متضرر امکان مطالبه قیمت ناشی از کسری و یا اضافه مقدار را مگر با توافق طرف مقابل عقد ندارد (کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۱۲۵).

قانون مدنی در ماده ۳۸۶ قانون مدنی ناظر بر مواد ۳۸۴ و ۳۸۵ قانون مذکور که شرح مختصر آن در مارالذکر بیان گردید بیان نموده است «اگر در مورد دو ماده قبل معامله فسخ شود بایع باید علاوه بر استرداد ثمن، مخارج معامله و مصارف متعارف را که مشتری نموده است بدهد»؛ بنابراین قانون‌گذار در ماده ۳۸۶ قانون مدنی به موردی پرداخته است که عقد بیع از ناحیه خریدار به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانون مدنی و یا از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی فسخ شده است و در این وضعیت صرف‌نظر از این که فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی صورت گرفته باشد و یا اینکه خریدار به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانونی اقدام به فسخ عقد بیع نموده باشد، دو تکلیف استرداد ثمن و همچنین تأدیه مخارج معامله و مصارف متعارف خریدار بر عهده فروشنده قرار گرفته است که در خصوص استرداد ثمن تردیدی نیست که تکلیف فروشنده ناشی از انحلال عقد بیع به سبب تحقق فسخ است ولیکن در خصوص تکلیف و الزام فروشنده به پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف خریدار به‌عنوان خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی، این پرسش قابل طرح است که مینا و ماهیت خسارت مذکور چیست.

۲. ماهیت خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی

در خصوص مینا و ماهیت خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی، نص صریحی در قانون وجود ندارد، عده‌ای با توجه به مبنای عام مسئولیت مدنی (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی) معتقدند که بایع باید اطلاعاتی را که به مشتری می‌دهد درست باشد، زیرا معامله بر مبنای حسن نیت استوار شده است و هر کس حق دارد که به گفته‌های مالک درباره مقدار و اوصاف مورد معامله اعتماد کند، پس اگر فروشنده به‌عمد یا در نتیجه بی‌مبالاتی اعلام نادرستی کند که در اثر آن معامله بر هم خورد باید زیان‌های ناشی از تقصیر خود را بپردازد و فسخ وسیله‌ای است برای جبران بخشی از زیان‌های خریدار و استفاده از آن نمی‌تواند رابطه سببیت بین تقصیر فروشنده و زیان‌های خریدار را قطع کند (کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۱۲۹). اگرچه نظریه مذکور از حیث نتیجه هم سو با مقصود قانون‌گذار از ماده ۳۸۶ قانون مدنی است و صحیح به نظر می‌رسد، اما در آن به‌طور دقیق به این

مسئله پرداخته نشده است که آیا نقض عهد (مسئولیت قراردادی) سبب ایجاد مسئولیت فروشنده شده است یا مسئولیت غیر قراردادی مبنای شکل‌گیری این مسئولیت است و یا اینکه نهادی مستقل از مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی موجب تحقق مسئولیت فروشنده و الزام وی به تأدیه مخارج معامله و مصارف متعارف خریدار، به‌عنوان خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی گردیده است؟

به‌طور کلی در نظام حقوقی ایران و مطابق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، تقصیر به‌عنوان مبنای عام مسئولیت مدنی شناخته شده است و در همین خصوص ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به‌موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است»، فی‌الواقع از ماده مذکور به‌عنوان عام‌ترین منبع ایجاد مسئولیت مدنی در نظام حقوق ایران نام‌برده می‌شود (باریکلو، ۱۴۰۲: ۲۴). در متن ماده مزبور لفظ عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی تعبیری دیگر از تقصیر است و مطابق این ماده هر کس با تقصیر خود به دیگری ضرر و زبانی وارد سازد مسئول جبران خسارت است، از این رو بر اساس ماده اخیرالذکر درجایی که قانون خاصی وجود ندارد و صور خاصی از مسئولیت پیش‌بینی نشده باشد، مسئولیت مبتنی بر تقصیر تصور می‌شود؛ هرچند که حقوقدانان از دیرباز تاکنون قانون مسئولیت مدنی از جمله ماده ۱ آن را ناظر و منصرف بر مسئولیت غیر قراردادی قلمداد نموده‌اند، با این وجود هیچ دلیل خاصی جهت محدود کردن این ماده به شاخه خاصی از مسئولیت (غیر قراردادی) وجود ندارد، فی‌الواقع فلسفه اینکه در نظام حقوق ایران، مسئولیت قراردادی مبتنی بر تقصیر شناخته نمی‌شود به این دلیل نیست که مسئولیت قراردادی مشمول ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نمی‌شود بلکه به این دلیل است که مواد ۲۲۶ الی ۲۳۰ قانون مدنی که به‌طور خاص به مسئولیت قراردادی پرداخته است و تقصیر را به‌عنوان شرط ایجاد مسئولیت قراردادی قرار نداده است (قاسم‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۴).

حال پرسش اساسی آن است که مبنای مسئولیت مدنی فروشنده جهت تأدیه مخارج معامله و مصارف متعارف خریدار، به‌عنوان خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی چیست؟ به عبارت دقیق‌تر آیا مبنای خسارت و مسئولیت مورد بحث، مسئولیت قراردادی است یا مسئولیت غیر قراردادی و یا اینکه مبنای آن در هیچ‌کدام از قالب‌های سنتی تقسیم‌بندی مسئولیت مدنی به قراردادی و غیر قراردادی جای ندارد و باید مبنای آن را در حوزه‌هایی دیگر و نوین از مسئولیت مدنی از قبیل مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد جستجو نمود؟ قبل از پاسخ به این پرسش مهم که هدف اصلی پژوهش حاضر است ضروری به نظر می‌رسد که در وهله نخست مسئولیت قراردادی، مسئولیت غیر قراردادی و مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد به تفکیک به‌عنوان مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی مورد بررسی و امکان‌سنجی قرار گیرد تا از این رهگذر پاسخی مناسب به سؤال مذکور داده شود.

۱.۲ امکان‌سنجی مسئولیت قراردادی به‌عنوان مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی

اگر منشأ خسارت، نقض یک تعهد قراردادی باشد مسئولیت قراردادی است و اصولاً مبنای ایجاد مسئولیت قراردادی، نقض تعهد قراردادی است که یک مسئولیت مستقیم و محض تلقی می‌شود (شهیدی، ۱۴۰۳: ۵۰). در مسئولیت قراردادی هدف از اصل جبران کامل خسارت آن است که طرف زیان‌دیده در وضعیتی قرار گیرد که گویا ایفای تعهد انجام پذیرفته است، چراکه در یک رابطه قراردادی، هر یک از متعاقدين در موقعیت تازه‌ای قرار می‌گیرند که این وضعیت جدید مورد احترام و حمایت قانون‌گذار است و هر یک از طرفین مالک و صاحب ارزش تعهدی می‌شوند که به نفع او ایجاد گردیده است و نقض تعهد، این

موقعیت مورد احترام را منتفی می‌سازد و به ساختار ارزش تعهدی که به نفع متعهدله ایجاد شده، زیان وارد می‌کند و از این رو هدف از جبران خسارت و الباقی واکنش‌ها در خصوص نقض تعهد قراردادی باید به نحوی باشد که موجب احیای موقعیت قراردادی شود و طرف زیان‌دیده در وضعیت انجام تعهد قرار گیرد (کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۴۹-۵۹).

به عقیده نگارنده در خصوص امکان‌سنجی مسئولیت قراردادی به‌عنوان مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی، بین دو حالت فسخ بیع از ناحیه بائع (به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی) و نیز فسخ بیع از ناحیه خریدار (به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانون مدنی) باید قائل به تفکیک شد؛ با این توضیح که در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه خریدار به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانون مدنی، فروشنده مرتکب نقض عهد شده است و به تعهد خویش در خصوص مقدار مبیع جامه عمل نپوشانده است و در این فرض مبنای مسئولیت فروشنده برای جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) مسئولیت قراردادی است و باهدف قرار گرفتن خریدار در وضعیت بدل از ایفای کامل تعهد قراردادی انجام می‌شود ولیکن در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، نمی‌توان مسئولیت قراردادی را مبنای مسئولیت فروشنده جهت جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) در نظر گرفت زیرا از یک‌سو خریدار در خصوص مقدار مبیع تعهدی ندارد و مبیع، مقدار و خصوصیات آن در زمره تعهدات فروشنده است و خریدار در خصوص شرط مقدار مرتکب نقض عهدی نشده است که به‌واسطه آن فروشنده اختیار بر فسخ عقد بیع پیدا کند و از سوی دیگر نقص عهد فروشنده نیز نمی‌تواند موجب اختیار فسخ برای فروشنده باشد و به‌عنوان مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی در نظر گرفته شود چراکه اولاً قائل شدن به ایجاد حق فسخ برای فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی به علت نقض عهد فروشنده، دارای توالی فاسد است و ممکن است که موجب دستاویزی برای سوءاستفاده فروشندگان قرار گیرد و از این رهگذر فروشندگان برای شانه خالی کردن از تعهدات قراردادی با نقض تعهدات خویش و با استناد به نقض تعهد خود مبادرت به فسخ عقد بیع نماید. ثانیاً منطقی نیست برای فروشنده‌ای که مرتکب نقض عهد قراردادی شده است به‌عنوان پاداش به وی اختیار فسخ عقد بیع به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی داده شود. بنابراین به‌عنوان نتیجه این بخش باید اذعان نمود که در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه خریدار به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانون مدنی، مبنای مسئولیت فروشنده جهت جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) مسئولیت قراردادی است ولیکن در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، مسئولیت قراردادی را نمی‌توان به‌عنوان مبنای مسئولیت فروشنده جهت جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) در نظر گرفت.

۲.۲ امکان‌سنجی مسئولیت غیر قراردادی به‌عنوان مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی

اگر منشأ خسارت، نقض یک تعهد قراردادی نباشد مسئولیت غیر قراردادی محسوب می‌شود، مسئولیت غیر قراردادی به‌طور معمول مبتنی بر تقصیر است و گاهی نیز خطر مبنای این مسئولیت است و در برخی موارد مانند تلف بالمباشرة این مسئولیت بدون مبنا است و تحقق آن منوط به وجود ارکان سه‌گانه ضرر، فعل زیان‌بار و وجود رابطه سببیت فی‌مابین آن‌ها است و مسئولیت غیر قراردادی شامل موردی است که قراردادی اعم از صحیح، باطل و یا مذاکرات قراردادی در میان نباشد هدف از اصل جبران کامل خسارت در مسئولیت غیر قراردادی آن است که زیان‌دیده در وضعیت قبل از فعل زیان‌بار قرار گیرد (داراب پور، ۱۴۰۱: ۳۹).

با توجه مراتب معنونه در خصوص مسئولیت قراردادی مشخص گردید که در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه خریدار به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانون مدنی، مبنای مسئولیت فروشنده جهت جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) مسئولیت قراردادی است و از سوی دیگر ملاحظه گردید که در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، نقض عهد یا همانا مسئولیت قراردادی را نمی‌توان موجد اختیار بایع جهت فسخ عقد بیع تلقی نمود و به تبع نیز مسئولیت قراردادی را نمی‌توان مبنای مسئولیت فروشنده جهت جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) در نظر گرفت. حال در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی سؤال قابل طرح آن است که آیا می‌توان در این وضعیت مبنای مسئولیت فروشنده در جبران ضرر و زیان خریدار (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) را مسئولیت غیر قراردادی در نظر گرفت؟ به عقیده نگارنده در این فرض مسئولیت غیر قراردادی نمی‌تواند مبنای مسئولیت فروشنده در ماده ۳۸۶ قانون مدنی باشد زیرا همان گونه که بیان گردید مسئولیت غیر قراردادی در فرضی قابل تحقق و تصور است که هیچ گونه قرارداد و توافقی در میان نباشد و این در حالی است که عقد بیع با شرط مقدار فی مابین متعاملین منعقد شده است و حال نمی‌توان در خصوص خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی، وجود عقد بیع را نادیده گماشت و خسارت مذکور را بر مبنای مسئولیت غیر قراردادی تفسیر نمود.

بنابراین به عنوان نتیجه این بخش باید اذعان نمود که در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، مسئولیت غیر قراردادی را نمی‌توان به عنوان مبنای مسئولیت فروشنده جهت جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) در نظر گرفت.

۳.۲ امکان سنجی مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد به عنوان مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی

در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی به طور سنتی به مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی تقسیم شده است و یکی از چالش های مهم در این عرصه، وضعیت مبهم برخی از مسئولیت های دارای حالت بینابینی است که به طور دقیق در یکی از قالب های سنتی فوق الذکر جای نمی گیرند؛ کما این که با توجه به مراتب فوق الذکر ملاحظه گردید که در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، مبنای مسئولیت ایشان در جبران ضرر و زیان خریدار (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) در هیچ کدام از قالب های مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی جای نمی گیرد. حال پرسش قابل طرح در این بخش آن است که آیا در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، مبنای مسئولیت ایشان در جبران ضرر و زیان خریدار (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) را می‌توان مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد در نظر گرفت؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا ضروری به نظر می‌رسد که مفهوم و مبنای مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد تبیین شود تا در نهایت بتوان اثباتاً یا نفیاً در خصوص پرسش مذکور اظهار نظر کرد.

۱.۳.۲ مفهوم و مبنای مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد

مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد در واقع الزام به جبران ضرر و زیان هایی است که به علت عدم رعایت شرایط صحت به یک طرف قرارداد وارد و تحمیل شده است، این قبیل از زیان ها در برخی اوقات بدین صورت است که قرارداد مورد نظر به واسطه عدم رعایت شرایط صحت نافرجام می‌شود؛ مانند عقد بیع فضولی که با رد مالک باطل شده است که در این وضعیت

هزینه‌هایی که برای انعقاد و ورود به این قرارداد صورت پذیرفته است از قبیل اجرت دلال، مشاوره حقوقی و همچنین هزینه‌هایی که به تصور وجود قرارداد صحیح و نافذ صورت گرفته است از قبیل هزینه بازسازی مبیع، از دست می‌رود و این‌گونه هزینه‌ها زیانی است که به واسطه از دست رفتن قرارداد وارد می‌شود (حسینی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۵۰)؛ در برخی موارد نیز زیان به نحو مستقیم از خود عدم رعایت شرایط صحت وارد می‌شود مانند هنگامی که زنی برای نکاح با مردی تهدید شود که در این صورت زیان‌های وارد شده به این زن ناشی از غیر نافذ بودن عقد نکاح نیست بلکه این زیان‌ها ناشی از خود اکراه است (یزدانیان، ۱۴۰۳: ۴۷).

واکنش‌ها در قبال نقص در اعتبار قرارداد صرفاً متوجه سرنوشت قرارداد نیست، بلکه واکنش دیگر در این زمینه بحث لزوم جبران خسارت ناشی از نقص در اعتبار قرارداد است، به عنوان نمونه شخصی که وارد یک قرارداد نافرجام می‌شود برای انعقاد آن ممکن است متحمل هزینه‌های دفتری، حقوقی، دلالی و غیره شده باشد و این هزینه‌ها به قصد به دست آوردن قرارداد صحیح و کامل صورت گرفته است اما با انحلال قرارداد عملاً هزینه‌های انجام شده از دست رفته محسوب می‌شود و در این حالت الزامی که در جبران این خسارت قابل تصور است همانا مسئولیت مدنی ناشی از نقص در اعتبار قرارداد است و به دیگر سخن مسئولیت مدنی ناشی از نقص در اعتبار قرارداد نیز همانند فسخ، بطلان، عدم نفوذ و امثال آن واکنشی در قبال نقص در اعتبار قرارداد است با این وجه افتراق که بطلان، عدم نفوذ و امثال آن متوجه خود قرارداد است اما مسئولیت مدنی متوجه شخصی می‌شود که باعث نقص در اعتبار قرارداد شده است. به طور کلی در نظام حقوقی ایران و مطابق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، تقصیر به عنوان مبنای عام مسئولیت مدنی شناخته شده است، در متن ماده مزبور لفظ عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی تعبیری دیگر از تقصیر است و مطابق این ماده هر کس با تقصیر خود به دیگری ضرر و زیانی وارد سازد مسئول جبران خسارت است؛ از این رو بر اساس ماده اخیرالذکر درجایی که قانون خاصی وجود ندارد و صور خاصی از مسئولیت پیش‌بینی نشده باشد، مسئولیت مبتنی بر تقصیر تصور می‌شود، بنابراین در خصوص نقص در اعتبار قرارداد نیز باید مبنای عام مسئولیت را تقصیر پنداشت (رنجبر، ۱۴۰۳: ۱۴۸).

حال آیا در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، مبنای مسئولیت ایشان در جبران ضرر و زیان خریدار (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) را می‌توان مسئولیت ناشی از نقص در اعتبار قرارداد در نظر گرفت؟ به عقده نگارنده پاسخ مثبت است، زیرا دلیل اینکه در این حالت قانون‌گذار به فروشنده اختیار فسخ اعطا نموده آن است که بایع در خصوص مقدار مبیع تصویری اشتباه داشته و رضایت او مخدوش بوده است و در این فرض حق فسخ بایع در واقع واکنشی در مقابل عیب رضای بایع و نقص در اعتبار قرارداد است و مبنای جبران خسارت خریدار در این وضعیت بر اساس ماده ۳۸۶ قانون مدنی، به جهت مسئولیت بایع در جبران خسارت ناشی از نقص در اعتبار قرارداد است و هدف از جبران خسارت خریدار در این حالت، قرار گرفتن خریدار در موقعیت قبل از انعقاد و ورود به قرارداد و تحمل هزینه‌های انجام شده جهت به دست آوردن عقد بیع است.

۳. نتیجه‌گیری

در خصوص مبنا و ماهیت خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی مبنی بر تکلیف فروشنده به پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن در صورت فسخ عقد بیع به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانون مدنی، نص صریحی در قانون وجود ندارد، عده‌ای با توجه به مبنای عام مسئولیت مدنی (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی) معتقدند که بایع باید اطلاعاتی را که به مشتری

می‌دهد درست باشد، زیرا معامله بر مبنای حسن نیت استوار شده است و هر کس حق دارد که به گفته‌های مالک درباره مقدار و اوصاف مورد معامله اعتماد کند، پس اگر فروشنده به عمد یا در نتیجه بی‌مبالاتی اعلام نادرستی کند که در اثر آن معامله بر هم خورد باید زیان‌های ناشی از تقصیر خود را بپردازد. اگرچه نظریه مذکور از حیث نتیجه هم سو با مقصود قانون‌گذار از ماده ۳۸۶ قانون مدنی است و صحیح به نظر می‌رسد، اما در آن به طور دقیق به این مسئله پرداخته نشده است که آیا نقض عهد (مسئولیت قراردادی) سبب ایجاد مسئولیت فروشنده شده است یا مسئولیت غیر قراردادی مبنای شکل‌گیری این مسئولیت است و یا اینکه نهادی مستقل از مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی موجب تحقق مسئولیت فروشنده و الزام وی به تأدیه مخارج معامله و مصارف متعارف خریدار، به عنوان خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی گردیده است. به عقیده نگارنده با تکیه بر نتایج حاصل از پژوهش حاضر، مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی در همه شرایط یکسان نیست و در برخی موارد مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی، مسئولیت قراردادی است و در برخی موارد نیز مبنای آن مسئولیت ناشی از نقض در اعتبار قرارداد است که در ذیل صور مختلف آن بیان می‌شود:

۱. در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه خریدار به استناد مواد ۳۸۴ یا ۳۸۵ قانون مدنی، مبنای مسئولیت فروشنده جهت جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) مسئولیت قراردادی است، زیرا فروشنده مرتکب نقض عهد شده است و به تعهد خویش در خصوص مقدار مبیع جامه عمل نپوشانده است و جبران خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی در این حالت باهدف قرار گرفتن خریدار در وضعیت بدل از ایفای کامل تعهد قراردادی انجام می‌شود.

۲. در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، مسئولیت قراردادی را نمی‌توان به عنوان مبنای مسئولیت فروشنده جهت جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) در نظر گرفت، زیرا از یک سو خریدار در خصوص مقدار مبیع تعهدی ندارد و مبیع، مقدار و خصوصیات آن در زمره تعهدات فروشنده است و خریدار در خصوص شرط مقدار مرتکب نقض عهدی نشده است که به واسطه آن فروشنده اختیار بر فسخ عقد بیع پیدا کند و از سوی دیگر نقض عهد فروشنده نیز نمی‌تواند موجب اختیار فسخ برای فروشنده باشد و به عنوان مبنای خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی در نظر گرفته شود چرا که اولاً قائل شدن به ایجاد حق فسخ برای فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی به علت نقض عهد فروشنده، دارای توالی فاسد است و ممکن است که به عنوان دستاویزی برای سوءاستفاده فروشندگان قرار گیرد و از این رهگذر فروشندگان برای شانه خالی کردن از تعهدات قراردادی با نقض تعهدات خویش و با استناد به نقض تعهد خود مبادرت به فسخ عقد بیع به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی نمایند و ثانیاً منطقی نیست برای فروشنده‌ای که مرتکب نقض عهد قراردادی شده است به عنوان پاداش به وی اختیار فسخ عقد بیع به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی داده شود.

۳. در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، مسئولیت غیر قراردادی را نیز نمی‌توان به عنوان مبنای مسئولیت فروشنده جهت جبران خسارات مشتری (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) در نظر گرفت زیرا مسئولیت غیر قراردادی در فرضی قابل تحقق و تصور است که هیچ‌گونه قرارداد و توافقی در میان نباشد و این در حالی است که عقد بیع با شرط مقدار فی‌مابین متعاملین منعقد شده است و حال نمی‌توان در خصوص خسارت موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی، وجود عقد بیع را نادیده گماشت و خسارت مذکور را بر مبنای مسئولیت غیر قراردادی تفسیر نمود.

۴. در نظام حقوقی ایران، مسئولیت مدنی به طور سنتی به مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی تقسیم شده است و یکی از چالش‌های مهم در این عرصه، وضعیت مبهم برخی از مسئولیت‌های دارای حالت بینابینی است که به طور دقیق در یکی از قالب‌های سنتی فوق‌الذکر جای نمی‌گیرند؛ کما این که با توجه به مراتب فوق‌الذکر ملاحظه گردید که در صورت فسخ عقد بیع از ناحیه فروشنده به استناد ماده ۳۸۵ قانون مدنی، مبنای مسئولیت فروشنده در جبران ضرر و زیان خریدار (پرداخت مخارج معامله و مصارف متعارف آن موضوع ماده ۳۸۶ قانون مدنی) در هیچ‌کدام از قالب‌های مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی جای نمی‌گیرد بلکه مبنای آن مسئولیت ناشی از نقص در اعتبار قرارداد است زیرا دلیل اینکه در این حالت قانون‌گذار به فروشنده اختیار فسخ اعطا نموده آن است که بایع در خصوص مقدار مبیع تصویری اشتباه داشته و رضایت او مخدوش بوده است و در این فرض حق فسخ بایع در واقع واکنشی در مقابل عیب رضای بایع و نقص در اعتبار قرارداد است و مبنای جبران خسارت خریدار در این وضعیت بر اساس ماده ۳۸۶ قانون مدنی، به جهت مسئولیت بایع در جبران خسارت ناشی از نقص در اعتبار قرارداد است و هدف از جبران خسارت خریدار در این حالت، قرار گرفتن خریدار در موقعیت قبل از انعقاد و ورود به قرارداد و تحمل هزینه‌های انجام‌شده جهت به دست آوردن عقد بیع است.

منابع

۱. باریکلو، علیرضا (۱۴۰۲)، مسئولیت مدنی، نشر میزان.
۲. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳. داراب پور، مهرباب (۱۴۰۱)، مسئولیت‌های خارج از قرارداد، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۴. شهیدی، مهدی (۱۴۰۳)، آثار قراردادهای و تعهدات، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۵. رنجبر، مسعود رضا (۱۴۰۳)، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد، نشر میزان.
۶. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۴۰۰) الزام‌ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، نشر میزان.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۳)، عقود معین، ج ۱، معاملات معوض - عقود تملیکی، گنج دانش.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۳)، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۱، گنج دانش.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲)، الزام‌های خارج از قرارداد. جلد ۱، تهران: گنج دانش.
۱۰. یزدانیان، علیرضا (۱۴۰۳)، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ج ۱، نشر میزان.